

ترجمه گزاره‌های فراگفتمانی در گفتمان سیاسی تد: بررسی کم تخصیصی معنایی میان زبان انگلیسی و فارسی در پیکره موازی

رضا کاظمیان* (گروه زبان‌شناسی، دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران)

مهرداد واشقانی فراهانی (گروه زبان‌شناسی کاربردی و مطالعات ترجمه، دانشگاه لایپزیک، لایپزیک، آلمان)

چکیده

گزاره‌های فراگفتمانی از عناصر مهم فراگفتمانی‌اند که برای برقراری ارتباط میان بخش‌های مختلف گفتمان و همچنین کمک به مخاطبان (خواننده و شنونده) در درک روابط کاربردشناختی به کار می‌روند. پژوهش حاضر با هدف بررسی این عناصر فراگفتمانی و ارائه پژوهشی پیکره‌محور و مقایسه‌ای بر روی برخی از مهم‌ترین گزاره‌های فراگفتمانی موجود در زبان انگلیسی و فارسی انجام شد. بدین منظور، تعداد ده سخنرانی تد با محوریت ژانر سیاسی به زبان انگلیسی به صورت تصادفی انتخاب و به همراه ترجمه فارسی آن در نرم‌افزار پیکره‌ساز اسکچ انجین بارگذاری شد. برای بررسی و دسته‌بندی گزاره‌های فراگفتمانی، چهارچوب هایلند (۲۰۰۵) انتخاب شد. در این چهارچوب عناصر فراگفتمانی به دو دسته اصلی تبادل و تعامل، تقسیم می‌شوند که گزاره‌ها در دسته نخست قرار می‌گیرند. از بررسی‌های مقابله‌ای میان این عناصر و ترجمه فارسی آن‌ها، این موضوع دریافت شد که به طور کلی فرایند ترجمه این عناصر را می‌توان در قالب دو راهبرد کلی (ترجمه تحت‌اللفظی و کم‌تخصیصی) توصیف نمود که فرایند کم‌تخصیصی خود متشکل از سه نوع دیگر (حذف، توسیع و تحدید) است. از دیگر یافته‌های این پژوهش می‌توان به درک وجود رابطه‌ای معنادار میان نوع گزاره‌ها و نوع خاص راهبرد به‌کاررفته اشاره کرد. با استفاده از عملیات آماری و کمی حاصل از بررسی داده‌های موجود مشخص شد گزاره‌های قوی غالباً به صورت تحت‌اللفظی ترجمه می‌گردند، در حالی که گزاره‌های ضعیف نظیر **and**

* نویسنده مسئول r.kazemian@fhn.ui.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۱۱/۱۹ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۲/۰۴

گاهی اوقات به صورت تحت‌اللفظی و گاهی تحت عنوان فرایندهای کم‌تخصیصی ترجمه می‌شوند. یافته‌های این تحقیق می‌تواند در پژوهش‌های آتی در زمینه مطالعات ترجمه پیکره‌محور و زبان‌شناسی مقابله‌ای استفاده شود.

کلیدواژه‌ها: فراگفتمان، فراگفتمان تبادل، گزاره‌های فراگفتمانی، ترجمه، کم‌تخصیصی، پیکره‌های موازی

۱. مقدمه

بیش از چهار دهه است که فراگفتمان^۱ و به شکل خاص عناصر آن مورد توجه پژوهشگران مختلف (شیفرین^۲، ۱۹۸۰؛ وندکاپل^۳، ۱۹۸۵؛ کریسمور^۴، ۱۹۸۹؛ هایلند^۵، ۲۰۱۹، ۲۰۰۴، ۲۰۰۰ و غیره) قرار گرفته و همچنان نیز این عناصر از موضوعات مهم و مورد علاقه پژوهشگران این حوزه است. فراگفتمان، اصطلاحی است برای اطلاق به عباراتی که در متن برای برقراری معانی تعاملی به کار برده می‌شوند. این معانی برای کمک به نویسنده یا گوینده برای بیان دیدگاه خود و همچنین همراهی با خوانندگان یا شنوندگان به عنوان عضوی از جامعه خاصی به کار می‌روند (هایلند، ۲۰۱۹). عناصر فراگفتمانی در الگوی بینافردی هایلند (۲۰۰۵ و ۲۰۱۹) به انواع گوناگونی تقسیم می‌گردند؛ یک دسته از این عبارات، گزاره‌ها^۶ هستند که عموماً با عنوان نقش‌نامه‌های گفتمان^۷ شناخته شده و از حجم و تنوع بالای مطالعاتی (شیفرین، ۱۹۸۷؛ ردکر^۸، ۱۹۹۰؛ فریزر^۹، ۱۹۹۹؛ فیشر^{۱۰}، ۲۰۰۶) برخوردارند. گزاره‌ها، نشانگرهایی هستند که برای کمک به خوانندگان و شنوندگان برای تفسیر روابط کاربردشناختی موجود در

-
1. metadiscourse
 2. Schiffrin
 3. Vande Kopple
 4. Crismore
 5. Hyland
 6. transitions
 7. discourse markers
 8. Redeker
 9. Fraser
 10. Fischer

متن به کار گرفته می‌شوند و در سه قالب کلی روابط اضافه‌ای، مقایسه‌ای و نتیجه‌ای قرار می‌گیرند (هایلند، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۹).

از دلایل توجه پژوهشگران به بررسی گزاره‌ها (نقش‌نامه‌های گفتمان)، می‌توان به کم‌تخصیصی^۱ معنایی (اسپورن^۲، ۱۹۹۷؛ دوپوت و زوفرای^۳، ۲۰۱۷؛ کریبل^۴، آبوچکی^۵، بورکزایتینه^۶، فورکو^۷، ندولوژکو^۸، راکویسین، الشکویچینه و زیکانوا^۹، ۲۰۱۹) این عبارت اشاره کرد که حاصل کاربردهای چندگانه این گزاره‌هاست. کم‌تخصیصی دارای انواع گوناگونی است و براساس داده‌های تک‌زبانه و چندزبانه تعریف آن نیز متغیر است. از آنجا که داده‌های مورد نظر این پژوهش تک‌زبانه نیستند، کم‌تخصیصی بودن را می‌توان بدین شکل تعریف نمود: عدم تطابق میان یک صورت مشخص در زبانی و ترجمه آن در زبانی دیگر که می‌تواند به صورت‌های مختلفی نظیر حذف^{۱۰}، توسیع و تحدید معنایی (بارنول^{۱۱}، ۱۹۸۰؛ دیویس^{۱۲}، ۲۰۰۷؛ بیکر^{۱۳}، ۲۰۱۱؛ چسترمن^{۱۴}، ۲۰۱۶) ظاهر شود.

پیکره‌های موازی از منابع بسیار ارزشمندی هستند که ما را در بررسی‌های مقابله‌ای برای یافتن تفاوت‌های ظریف کاربردشناختی گزاره‌ها میان زبان‌های گوناگون یاری می‌کنند. در زبان فارسی اکثر پیکره‌های موجود تک‌زبانه و از طرفی نیز منحصرأً متشکل از متون نوشتاری‌اند که از منابع رسمی نظیر روزنامه‌ها، متون علمی و دانشگاهی فراهم آمده‌اند. از همین رو، هنگام بررسی عناصر فراگفتمانی در

1. under-specification
2. Spooren
3. Dupont & Zufferey
4. Crible et al.
5. Abuczki
6. Burksaitiene
7. Furko
8. Nedoluzhko
9. Rackeviciene, Oleskeviciene, & Zikanova
10. omission
11. Barnwell
12. Davies
13. Baker
14. Chesterman

داده‌های گفتاری دو یا چند زبان، فقدان پیکره گفتاری و موازی به شدت احساس می‌گردد.

سخنرانی‌های تد^۱، اشاعه‌دهنده‌ی ارائه‌هایی با تنوع موضوعی گسترده‌اند که معمولاً به زبان انگلیسی ارائه و سپس به تعداد بسیاری زبان دیگر (از جمله فارسی) ترجمه می‌شوند. از این سخنرانی‌ها می‌توان به‌عنوان منابع گفتاری باارزشی یاد کرد که مسیر را برای بررسی عناصر فراگفتمانی در داده‌های گفتاری هموار می‌کنند و پژوهش حاضر نیز از آن‌ها برای ایجاد پیکره‌های موازی برای انجام بررسی‌های مورد نظر بهره می‌برد.

با عنایت به مطالب فوق در خصوص فقدان پیکره موازی گفتاری انگلیسی-فارسی، عمده پژوهش‌های پیکره‌محور به‌ویژه پیکره‌محور موازی و گفتاری (برای نمونه زارعی‌فرد و علینژاد، ۲۰۱۴؛ عموزاده و زارعی‌فرد، ۲۰۱۹) انجام شده بر روی عناصر فراگفتمانی در زبان فارسی بسیار محدود است و اغلب پژوهش‌های موجود (غفوری و عقبی‌طلب، ۲۰۱۲؛ کربلانی و دوائی، ۲۰۱۳؛ طارمی، تاکی و یوسفیان، ۱۳۹۷) بر روی داده‌های نوشتاری تمرکز داشته‌اند. لذا پژوهش حاضر برای ارائه مطالعه‌ای پیکره‌بنیاد در خصوص کم‌تخصیصی معنایی به‌عنوان راهکاری برای ترجمه گزاره‌ها کار خود را آغاز می‌کند و در پی پاسخ به سؤالات زیر است:

۱. چه راهکارهایی تحت عنوان کم‌تخصیصی معنایی می‌تواند در خصوص ترجمه گزاره‌ها به کار گرفته شود؟
۲. آیا رابطه معناداری میان نوع گزاره‌ها و نوع کم‌تخصیصی به‌کاررفته در ترجمه آن‌ها وجود دارد؟
۳. در صورت پاسخ مثبت به سؤال ۲، دلیل این رابطه چه چیزی است؟

1. Ted Talks (<https://www.ted.com>)

۲. پیشینه پژوهش و چهارچوب نظری

۲.۱. فراگفتمان

اصطلاح فراگفتمان را نخستین بار زلیگ هریس^۱ (۱۹۵۹) معرفی کرد و پس از وقفه‌ای چندساله، توجه پژوهشگرانی نظیر ویلیامز^۲ (۱۹۸۱)، وندکاپل (۱۹۸۵) و کریسمور (۱۹۸۹) را به خود جلب نمود. این اصطلاح شامل دامنه گسترده‌ای از عناصر انسجامی و بینافردی است (هایلند، ۲۰۱۹) که قرار دادن آن‌ها در دسته‌بندی‌های دقیق و مشخص کار آسانی نبوده و دسته‌بندی‌های گوناگونی برای تعیین مرز برای این عناصر توسط پژوهشگران مختلفی (میر^۳، ۱۹۷۵؛ ویلیامز، ۱۹۸۱؛ وندکاپل، ۱۹۸۵؛ کریسمور و همکاران، ۱۹۹۳؛ هایلند، ۲۰۰۵ و ۲۰۱۹) ارائه شده است. اگرچه میر (۱۹۷۵) و ویلیامز (۱۹۸۱) پیشگامان دسته‌بندی عناصر فراگفتمانی بودند، دسته‌بندی وندکاپل را به دلیل تأثیر مشهود در دسته‌بندی‌های پس از خود (کریسمور و فارنورث^۴، ۱۹۸۹ و ۱۹۹۰؛ اینتراپراوات^۵ و استفنسن^۶، ۱۹۹۵؛ چنگ^۷ و استفنسن، ۱۹۹۶) می‌توان یکی از دسته‌بندی‌های مهم دانست. هایلند (۲۰۰۵، ۱۹۹۹ و ۱۹۹۸) از جمله افرادی است که با اعمال اصلاح و تغییرات اساسی در دسته‌بندی وندکاپل (۱۹۸۵) و ایجاد زیردسته‌های بیشتر برای تعیین دقیق کارکردهای عناصر فراگفتمانی، چهارچوب و طبقه‌بندی مورد نظر خود را معرفی کرد. چهارچوب و دسته‌بندی هایلند (۲۰۰۵) نزد پژوهشگران زبان فارسی نیز محبوب بوده و مطالعات نسبتاً فراوانی با رویکردهای گوناگون در قالب این چهارچوب انجام شده است (رضاقلی فامیان و کارگر، ۱۳۹۲؛ عبدالله‌زاده و میرزاده، ۱۳۹۶؛ طارمی، تاکی و یوسفیان، ۱۳۹۷؛ غفوری و عقبی‌طلب، ۲۰۱۲؛ کربلایی و دوائی، ۲۰۱۳؛ زارعی‌فرد و

-
1. Zelig Harris
 2. Williams
 3. Meyer
 4. Farnsworth
 5. Intaraprawat
 6. Steffensen
 7. Cheng

علینژاد، ۲۰۱۴؛ عموزاده و زارعی فرد، ۲۰۱۹) که تا حدودی از رویکرد پژوهش حاضر فاصله دارند و پرداختن به تک تک آن‌ها در این جستار نمی‌گنجد. فراگفتمان در الگوی بینافردی و دسته‌بندی هایلند (۲۰۰۵) دارای دو بعد اصلی، تبادل و تعامل، است؛ به عبارت دیگر عناصر گفتمانی ابتدا به دو دسته اصلی تبادلی^۱ و تعاملی^۲ تقسیم می‌شوند و هر کدام نیز انواعی دارند که در جدول ۱ قابل مشاهده است. منظور از فراگفتمان تبادلی، عناصری هستند که برای سازماندهی اطلاعات گزاره‌ای در متن به شکلی که مخاطب آن را منسجم و متقاعدکننده دریابد به کار برده می‌شوند (هایلند، ۲۰۱۹). از طرف دیگر فراگفتمان تعاملی برای جلب نظر مخاطبان به دیدگاه نویسنده یا گوینده به کار می‌رود و قصد دارد مخاطب را در گفتمان جاری دخیل و درگیر نماید (هایلند، ۲۰۱۹).

جدول ۱. الگوی بینافردی فراگفتمان هایلند (۲۰۰۵)

گزاره‌ها	فراگفتمان تبادلی	فراگفتمان
چهارچوب‌سازها ۳		
ارجاع‌های درون‌متنی ۴		
شواهد ۵		
تأویل‌رمزها ۶	فراگفتمان تعاملی	
تردیدنماها ۷		
یقین‌نماها ۸		
نگرش‌نماها ۹		
خوداظهارها ۱۰		
دخیل‌سازها ۱۱		

1. interactive
2. interactional
3. frame markers
4. endophoric markers
5. evidentials
6. code glosses
7. hedges
8. boosters
9. attitude markers
10. self-mentions
11. engagement markers

جدول ۱ نشان می‌دهد عناصر فراگفتمانی انواع گوناگونی دارند که پژوهش حاضر تنها به دنبال بررسی یکی از آنها، یعنی گزاره‌هاست. همان‌طور که پیش‌تر آمد، گزاره‌ها را می‌توان همان نقش‌نماهای گفتمانی در نظر گرفت. این نوع فراگفتمان تبدیلی نشانگر روابط موجود میان بندهای^۱ جمله‌واره است که به مخاطب جهت درک بهتر کلام کمک می‌کند. روابط مذکور قابل تقسیم به انواع گوناگونی نظیر افزایش، مقایسه و نتیجه‌اند. روابط به شرح زیرند:

الف. افزایش: هنگامی که گزاره‌ها برای اضافه نمودن مواردی به یک بحث به‌کار می‌روند (مانند، و، به‌علاوه، به‌اضافه و غیره)؛

ب. مقایسه: هنگامی که گزاره‌ها برای نمایان کردن شباهت و تفاوت میان بخش‌های گفتمان به‌کار گرفته می‌شوند. (مانند، همچنین، ایضاً، اما، در مقابل، با وجود این و غیره)؛

ج. نتیجه: هنگامی که گزاره‌ها برای نشان دادن روابط علت و معلولی به‌کار می‌روند (مانند، پس، بنابراین، از این رو).

۲.۲. ترجمه گزاره‌ها

پیشینه مطالعاتی گسترده‌ای در خصوص ترجمه گزاره‌ها در زبان‌های مختلف وجود دارد (مانند آلتنبرگ^۲، ۱۹۹۹ و ۲۰۰۷؛ دگند^۳، ۲۰۰۴؛ آیمر^۴، ۲۰۰۷؛ کوئنکا^۵، ۲۰۰۸؛ مورتیر^۶ و دگند، ۲۰۰۹) اما بررسی همه آنها از حوصله این بحث خارج است و بیشتر سعی می‌شود نزدیک‌ترین پژوهش‌ها از نظر رویکرد و روش کار به این پژوهش بررسی شوند. مضافاً اینکه در زبان فارسی چنین تحقیقی صورت نگرفته است و می‌توان گفت تحقیق فعلی اولین در نوع خود است.

-
1. clauses
 2. Altenberg
 3. Degand
 4. Aijmer
 5. Cuenca
 6. Mortier

از پژوهش‌های نزدیک به پژوهش حاضر می‌توان به هوک و همکاران (۲۰۱۷) اشاره کرد. آن‌ها با دسترسی به پیکره‌های موازی حاصل از ترجمه مناظرات پارلمانی از زبان انگلیسی به چهار زبان دیگر (هلندی، آلمانی، فرانسوی و اسپانیایی) به بررسی روابط انسجامی پرداخته‌اند. آن‌ها دریافته‌اند که پیچیدگی شناختی^۱ بر روابط انسجامی تأثیر می‌گذارد و این تأثیر در زبان‌های موجود در این پیکره متفاوت نبوده است. البته لازم به ذکر است که در پژوهش هوک و همکاران (۲۰۱۷) عوامل انسجامی عمومی نظیر *and* و *since* از دایره بررسی حذف شده‌اند.

دوپانت و زوفری (۲۰۱۷) نیز با توسل به پیکره سخنانی‌های تد (کتولو و همکاران^۲، ۲۰۱۲) به بررسی تأثیر گونه کاربردی^۳، جهت ترجمه و مهارت مترجم در تغییر معنا و حذف چهار نقش‌نمای امایی^۴ در انگلیسی و فرانسوی پرداخته‌اند. آن‌ها پی بردند که این نقش‌نماها معمولاً یک یا دو معادل رایج دارند و همچنین ادعا کردند در ترجمه عناوین سخنانی‌های تد، ترجمه‌ها بیشتر تلویحی است. همچنین دریافته‌اند میزان استفاده از فرایند حذف نسبت به دیگر فرایندهای ترجمه‌ای مشخصاً کمتر است.

نزدیک‌ترین پژوهش انجام‌شده به پژوهش حاضر را می‌توان پژوهش کریبل و همکاران (۲۰۱۹) دانست. آن‌ها نیز همانند پژوهش حاضر با استفاده از پیکره‌های موازی از سخنانی‌های تد به بررسی کم‌تخصیصی معنایی در نقش‌ها و ترجمه‌های سه نقش‌نمای *and*، *but* و *so* پرداخته‌اند. پیکره موازی آن‌ها متشکل از ترجمه‌های تنها سه سخنانی‌های تد از زبان انگلیسی به چهار زبان دیگر (چکی، فرانسوی، مجارستانی و لتوانیایی) بوده است. اگرچه پژوهش آن‌ها از طرفی نمایانگر نقش همزمان ترجمه و حاشیه‌نویسی^۵ پیکره‌های در تعیین سطوح چندگانه کم‌تخصیصی

-
1. cognitive complexity
 2. Cettollo et al.
 3. register
 4. concessive markers
 5. annotation

بوده است، محدود شدن پژوهش آن‌ها به پیکره کوچک و تعداد نقش‌نمای گفتمان محدود نیز نقطه ضعف چشمگیری است که در پژوهش حاضر سعی شده رفع گردد. از پژوهش‌های انجام شده در زبان فارسی در خصوص ترجمه عناصر فراگفتمانی به دو پژوهش نزدیک به پژوهش حاضر می‌توان اشاره کرد.

احمدی (۱۳۹۰) پژوهشی را در قالب پایان‌نامه کارشناسی ارشد برای بررسی ترجمه نقش‌نماهای گفتمانی موجود در رمان هفتم هری پاتر به ترجمه ویدا اسلامیه (۱۳۸۷) انجام داده است. وی همچنین به بررسی انطباق و عدم انطباق این عبارات در دو زبان مبدأ و مقصد پرداخته و این نکته را متذکر شده که در ترجمه این عبارات توجه به معنای کاربردشناختی آن‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است. وی اهمیت ترجمه نقش‌نماهای گفتمان را این‌طور تفسیر کرده است که ممکن است این عناصر در زبان مبدأ فاقد ارزش لغوی باشند اما هنگامی که به فارسی ترجمه می‌شوند در بعضی موارد غیرقابل حذف‌اند و نقش مهمی را در حفظ انسجام متن ایفا می‌کنند. از طرفی نیز حفظ این عناصر در ترجمه، سبکی مشابه به متن مبدأ ایجاد می‌کند.

از دیگر مطالعات نزدیک به این پژوهش می‌توان به امیریوسفی و همکاران (۱۳۹۸) اشاره کرد. آن‌ها نیز همچون پژوهش حاضر براساس چهارچوب هایلند به بررسی ترجمه تردیدنماها که از عناصر فراگفتمان تعاملی‌اند، پرداخته‌اند. آن‌ها دریافتند که دانشجویان به دلیل توجه صرف به ترجمه واژگان تخصصی از ترجمه دقیق تردیدنماها غافل شده و در نتیجه، در ترجمه متونی نظیر متون علمی که عدم قطعیت در آن‌ها در قالب تردیدنماها ظاهر شده، ناخواسته تأثیری منفی می‌گذارند؛ لذا اهمیت دقت مترجمان در ترجمه این عناصر را متذکر شده‌اند.

۳.۲. کم تخصیصی

لفظ کم تخصیصی در زمینه‌های مختلفی نظیر زبان‌شناسی صورتگرا (اگ^۱، ۲۰۱۰؛ اگ و ردکر، ۲۰۰۷؛ ارمز^۲، ۲۰۱۱) و روان‌شناسی (فریسون^۳، ۲۰۰۹؛ فریسون و پیکرینگ^۴، ۲۰۰۱) کاربرد دارد. کم تخصیصی در پژوهش حاضر، مفهومی است که در تحلیل گفتمان به کار می‌رود (مانند، اسپورن، ۱۹۹۷؛ دوپانت و زوفری، ۲۰۱۷؛ کریبل و همکاران، ۲۰۱۹) و به عدم انطباق میان صورت و معنا اشاره دارد. این عدم انطباق می‌تواند در متون تک‌زبانه و بیش از یک زبان ظاهر شود. در متون تک‌زبانه، منظور از کم تخصیصی معنایی، اختلاف میان معنی و تفسیر یک کلمه است در حالی که در متون بیش از یک‌زبانه (ترجمه‌ای)، کم تخصیصی به راهبردهای ترجمه‌ای (حذف، توسیع و تحدید معنایی) برای ترجمه یک عبارت از زبان مبدأ به مقصد اشاره دارد.

این‌طور که به نظر می‌رسد تاکنون در پژوهش‌های انجام‌شده در زبان فارسی، رویکردی به مضمون فوق در خصوص کم تخصیصی انجام نشده است. اگرچه در برخی مطالعات زبانی با رویکردی متمایز از پژوهش حاضر اشارات کوتاهی به این فرایند شده است (رفیعی، ۱۳۹۱؛ صحرانی، ۱۳۹۲)، پژوهش حاضر را می‌توان به‌عنوان نخستین گام در بررسی فرایند کم تخصیصی معنایی در خصوص ترجمه گزاره‌ها با بهره‌گیری از پیکره‌های زبانی دانست.

با عنایت به مطالب فوق در خصوص پیشینه و چهارچوب مطالعاتی، پژوهش حاضر بر آن است تا به بررسی پیکره‌محور ترجمه فارسی گزاره‌ها از زبان انگلیسی که در چهارچوب هایلند (۲۰۰۵) به‌عنوان یکی از عناصر فراگفتمانی تبادل محسوب می‌شوند، پردازد. بدین‌منظور، هدف این است که نحوه ترجمه این عبارات زبانی را در دو قالب ترجمه تحت‌اللفظی^۵ این عبارات و کم تخصیصی معنایی بررسی کند. این پژوهش همچنین به دنبال کشف رابطه میان نوع ترجمه و نوع خاص گزاره‌هاست.

1. Egg
2. Irmer
3. Frisson
4. Pickering
5. literal translation

۳. روش پژوهش

همان‌طور که قبلاً ذکر شد و از عنوان این پژوهش نیز بر می‌آید، این پژوهش پیکره‌محور است؛ لذا لازم است تا از پیکره‌های متعادل^۱ و بازنما^۲ براساس مقتضیات تحقیقاتی استفاده شود (آنتونی، ۲۰۰۹). اگرچه پیکره‌های موازی بسیاری برای زبان‌های مختلف دنیا موجود است، پیکره‌های دوزبانه بر پایه داده‌های گفتاری در تمام زبان‌ها از جمله زبان فارسی بسیار نادرند و فقدان چنین پیکره‌هایی به شدت احساس می‌شود. اکثر پیکره‌های موجود در زبان فارسی از متون نوشتاری گردآوری شده و تا حدودی جنبه گفتاری زبان فارسی نادیده گرفته شده است. همین‌طور پیکره‌های موجود نیز اکثراً تجاری بوده و هزینه تهیه آن‌ها گزاف می‌باشد. با توجه به کمبودهای مذکور، نگارندگان مجبور به تهیه پیکره‌های مناسب برای انجام این پژوهش شدند. برای نیل به این هدف، تعداد ده سخنرانی از سخنرانی‌های تد به صورت تصادفی انتخاب شد. برای رعایت ملزومات همزمانی این ده سخنرانی از سخنرانی‌های بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ انتخاب شد. این سخنرانی‌ها، ابتدا توسط مترجمان وبسایت تد که زبان فارسی زبان مادری آن‌ها بوده ترجمه و سپس توسط مترجمان حرفه‌ای ویرایش و به صورت زیرنویس در اختیار مخاطبان قرار گرفته است. تمامی سخنرانی‌ها از ژانر سیاسی انتخاب شده که در مورد موضوعاتی نظیر سیاست خارجی ایالات متحده آمریکا، انتخابات آمریکا، دموکراسی و برگزیت (خروج بریتانیا از اتحادیه اروپا) بوده‌اند. تمامی سخنرانی‌ها توسط گویشوران بومی انگلیسی‌زبان (زن و مرد) و در مدت زمان ۱۰ تا ۲۰ دقیقه ارائه شده‌اند. پس از گردآوری متون انگلیسی و ترجمه فارسی این سخنرانی‌ها، همگی برای تشکیل یک پیکره واحد متعادل و یک‌سویه با همدیگر ادغام شدند. پس از ادغام متون مبدأ و مقصد، همترازی در سطح جمله و در قسمت‌هایی در سطح پاراگراف به صورت دستی اعمال شد. لازم به ذکر است، علی‌رغم وجود ابزارهای همترازسازی، کیفیت انجام کار آن‌ها حداقل در مورد

1. balanced

2. representative

جفت فارسی و انگلیسی هنوز خیلی قابل اتکا نیست. حجم کلی این پیکره بالغ بر ۴۳۰۰۰ کلمه است که اطلاعات دقیق آن در جدول ۲ قابل مشاهده است. برای تشکیل پیکره مورد نیاز و انجام تحلیل‌های مورد نظر، نرم‌افزار اسکچ انجین^۱ به کار گرفته شد. این نرم‌افزار که در محیط‌های ویندوز، لینوکس و مک قابلیت کار دارد در ۲۰۰۳ توسط کیل گریف^۲ در جمهوری چک طراحی شد. این نرم‌افزار به صورت تجاری در دسترس است و قابلیت‌های مختلفی از جمله پردازش متون در زبان‌های مختلف، طراحی پیکره‌های دوزبانه و چندزبانه، بررسی‌های گوناگون پیکره‌های و دسترسی آزاد و رایگان به تعدادی از مهم‌ترین و بزرگ‌ترین پیکره‌های دنیاست.



تصویر ۱. محیط نرم‌افزار زبان‌شناسی پیکره‌ای اسکچ انجین



تصویر ۲. واژه **but** به عنوان نمونه و ترجمه آن در خطوط واژه‌نما در پیکره

1. sketch engine
2. Adam Kilgarriff



تصویر ۳. واژه **however** به‌عنوان نمونه و ترجمه آن در خطوط واژه‌نما در پیکره

جدول ۲. اطلاعات پیکره موازی پژوهش

تعداد جملات	تعداد نمونه‌ها ^۱	تعداد کلمات	پیکره
۱۴۶۰	۲۵۳۹۰	۲۱۶۶۵	انگلیسی
۱۵۳۸	۲۴۲۴۴	۲۱۱۶۴	فارسی
۲۹۹۸	۴۹۶۳۴	۴۲۸۲۹	کل

پس از ایجاد پیکره مورد نظر، ابتدا متن زبان مبدأ برای یافتن گزاره‌ها خط‌به‌خط و به‌صورت دستی خوانده شد. به‌طور دقیق‌تر هدف از بررسی دستی پیکره به‌صورت دستی شناسایی عناصر فراگفتمانی در کل پیکره بود. پس از یافتن گزاره‌ها و دسته‌بندی آن‌ها بر مبنای مدل هایلند، بسامد و وقوع آن‌ها همراه با بافتی که عناصر در آن استفاده شده، توسط نرم‌افزار و با هدف انجام تحلیل‌های کمی محاسبه شد.

۴. یافته‌ها و بحث

پس از انجام اقدامات مقتضی در خصوص تهیه پیکره مناسب و داده‌های لازم که در بخش پیشین به‌تفصیل شرح داد شد، تعداد ۱۵ گزاره فراگفتمانی با مجموع

1. tokens

فراوانی ۵۹۹ در داده‌های زبان انگلیسی یافت شد و گزاره‌های and، but و so به ترتیب دارای بالاترین میزان فراوانی در میان گزاره‌های یافت شده‌اند که جزئیات آن در جدول ۳ قابل مشاهده است.

جدول ۳. فراوانی گزاره‌های فراگفتمانی

گزاره‌ها	فراوانی	درصد فراوانی
And	۲۲۲	۳۷/۰۶
But	۱۸۶	۳۱/۰۵
So	۸۸	۱۴/۶۹
Because	۷۶	۱۲/۶۸
So that	۵	۰/۸۳
Even though	۴	۰/۶۶
However	۳	۰/۵۰
Though	۶	۱
Despite	۱	۰/۱۶
Albeit	۱	۰/۱۶
Whereas	۲	۰/۳۳
On the other hand	۱	۰/۱۶
Although	۲	۰/۳۳
Furthermore	۱	۰/۱۶
In addition	۱	۰/۱۶
کل	۵۹۹	۱۰۰

پس از یافتن گزاره‌ها و تعیین فراوانی هر یک در پیکره انگلیسی نوبت به بررسی راهبردهای به‌کاررفته در ترجمه هر یک در پیکره فارسی رسید. براساس داده‌های موجود راهبردهایی که مترجمان در ترجمه این عناصر فراگفتمانی به‌کار گرفته‌اند را می‌توان به دو دسته اصلی، ترجمه تحت‌اللفظی و کم‌تخصیصی معنایی، تقسیم نمود.

براساس داده‌ها و آمارهای به‌دست‌آمده، قابل مشاهده در نمودار ۱، نوع رایج ترجمه این عناصر را می‌توان ترجمه تحت‌اللفظی (درآیدن^۱، ۱۹۷۵؛ نیومارک^۲، ۱۹۸۱؛ بیکر، ۲۰۱۱؛ چسترمن، ۲۰۱۶) دانست. در این نوع از ترجمه، گزاره مورد نظر دقیقاً معادل‌سازی شده و با معنا و نقشی مشابه به آنچه در زبان مبدأ بوده، ترجمه می‌گردد. نمونه‌هایی از این دست ترجمه را می‌توان در مثال‌های ۱-۶ ملاحظه نمود. همان‌گونه که از مثال‌های مذکور می‌شود، گزاره‌های مشخص شده بدون هیچ تغییری عیناً در ترجمه‌های فارسی لحاظ شده‌اند.

مثال ۱:

Theater is the essential art form of democracy, **and** we know this **because** they were born in the same city.

تئاتر شکل مطلق هنر از دموکراسی است، و این را میدانیم چون این دو در یک شهر پدید آمدند.

مثال ۲:

In addition, she has recruited other people in the community to also run for public office.

علاوه بر آن، او مشوق افراد دیگری هم از جامعه شد تا برای رسیدن به مناصب دولتی اقدام کند.

مثال ۳:

Even fascists seek community, **albeit** a frighteningly homogenous community where everyone looks the same and wears the same uniform and chants the same slogans.

حتی فاشیست‌ها به دنبال اجتماع هستند، البته اجتماعی به‌طرز وحشتناک یکدست که همه یکسان به‌نظر می‌رسند و یونیفورم مشابهی می‌پوشند و شعارهای یکسانی سر می‌دهند.

1. Dryden
2. Newmark

مثال ۴:

Furthermore, if we're going to really take seriously the need to ensure people share in the economic benefits, our businesses and corporations need a model of globalization that recognizes that they, too, have to take people with them .

به علاوه، اگر واقعاً به طور جدی می‌خواهیم مطمئن شویم که همه افراد در تقسیم مزایای اقتصاد سهیم هستند، کسب‌وکارها و شرکت‌های ما به یک مدل جهانی شدن نیازمندند مدلی که مؤید آن است که آن‌ها نیز موظفند مردم را با خود همراه کنند.

مثال ۵:

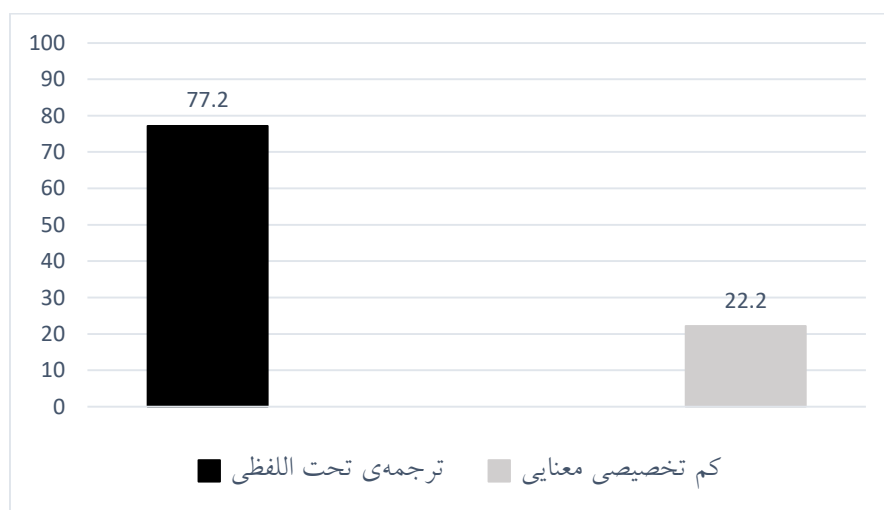
We have to live simply, **so that** others can simply live.

باید ساده زندگی کنیم تا یقیناً هم بتوانند زندگی کنند.

مثال ۶:

Welcome to neoliberalism, the zombie doctrine that never seems to die, however comprehensively it is discredited.

به نئولیبرالیسم خوش آمدید، دکترینی خون‌آشام که ظاهراً قرار نیست از میان برود، هرچند اعتبارش کاملاً از بین رفته.



نمودار ۱. میزان فراوانی دو راهبرد ترجمه‌گزارها

نمودار ۱ نشان می‌دهد که ترجمه تحت‌اللفظی به‌عنوان راهبرد غالب در ترجمه گزاره‌های فراگفتمانی مورد استفاده قرار گرفته که این موضوع همسو با نظر بارخودارف^۱ (۲۰۱۸) است. وی با ایجاد تمایز میان دو نوع اصلی ترجمه (آزاد و تحت‌اللفظی) با استفاده از واحدهای مورد ترجمه، معتقد است ترجمه تحت‌اللفظی غالباً در مورد ترجمه واحدهای کوچک صدق می‌کند که این موضوع در مورد گزاره‌ها نیز صادق است.

راهکار دیگری که می‌توان در ترجمه گزاره‌ها مشاهده نمود، کم‌تخصیصی معنایی است. همان‌طور که قبلاً نیز اشاره شد، منظور از کم‌تخصیصی در پژوهش حاضر، عدم انطباق میان یک عبارت زبان مبدأ و ترجمه آن در زبان مقصد است. با عنایت به داده‌های بررسی‌شده، کم‌تخصیصی در قالب چهار راهکار اصلی (حذف، توسیع معنایی، تحدید معنایی) قابل اعمال است.

الف. حذف

در این نوع از کم‌تخصیصی، مترجم به گمان اینکه عبارت مورد نظر فاقد اطلاعات مهم و ضروری است و حذف آن خللی در روند کلام پدید نمی‌آورد، آن را حذف می‌کند. عدم حضور گزاره‌های مورد نظر در ترجمه فارسی نیز دال بر همین موضوع است که در مثال‌های ۷ و ۸ به‌خوبی قابل درک است.

مثال ۷:

And the problem is it's not a G20, the problem is its G-Zero world that we live in.

مسئله اینه که این دیگه گروه ۲۰ نیست، مشکل اینه که ما دیگه در دنیای گروه

صفر زندگی می‌کنیم.

مثال ۸:

But we know it's not going to happen until we, the people of the US., and people throughout the world, start making sure that they get public officials elected to their governments that really care about the constituents, they care about the people.

1. Barkhudarf

می‌دانیم که این امر محقق نمی‌شود مگر زمانی که ما مردم آمریکا و همه مردم دنیا مطمئن شوند که صاحب‌منصبانی را به حکومت انتخاب می‌کنند که واقعاً به قانون اساسی و مردم اهمیت می‌دهند.

همان‌طور که از مثال‌های ۷ و ۸ مشخص است دو گزاره مشخص شده در زبان مبدأ کاملاً در ترجمه‌های فارسی حذف شده‌اند. این گونه حذف را می‌توان به نوعی، تلویح^۱ (چسترمن، ۲۰۱۶) نیز تلقی نمود. با عطف به کارکرد اصلی گزاره‌ها مبنی بر تسهیل درک رابطه کاربرد شناختی موجود در کلام برای مخاطب، حذف آن‌ها را می‌توان به نوعی باور مترجم به درک تلویحی آن‌ها توسط مخاطب دانست.

ب. توسیع

در مطالعات زبان‌شناسی این موضوع پذیرفته است که نقش‌نماهای گفتمان دارای حوزه‌های معنایی گوناگونی هستند. از جمله می‌توان به توسیع اشاره کرد (مقدم‌کیا، ۱۳۸۳). در توسیع معنایی، گزاره‌ها از معنای خاص خود که دامنه محدودتری را در بر می‌گیرد به معنایی کلی‌تر و با دامنه معنایی و کاربردشناختی وسیع‌تری ترجمه می‌گردند. این موضوع در خصوص عناصر فراگفتمانی نیز صدق می‌کند. برای درک بهتر این موضوع می‌توان به مثال‌های ۹ و ۱۰ اشاره کرد. در مثال‌های ۹ و ۱۰ گزاره but در ترجمه فارسی معادل «و» آمده است. حوزه معنایی but، حول محور ارائه مقایسه و تناقض و تضاد است (فریزر، ۱۹۹۹ و ۲۰۱۵) و معادل تحت‌اللفظی آن در فارسی «اما» است. این در حالی است که در ترجمه فارسی، از «و» استفاده شده که حوزه معنایی گسترده‌تری نظیر تشریح^۲، تقابل^۳، استنتاج^۴ و تناوب^۵ را در فارسی در بر می‌گیرد که نمونه بارز توسیع معنایی گزاره‌ها به حساب می‌آید. به عبارت دیگر، در توسیع معنایی گزاره‌ها رو به ضعیف و چندکاره شدن معادل سازی می‌گردند

-
1. implication
 2. elaboration
 3. contrast
 4. inference
 5. alternation

(اوتس^۱، ۲۰۰۰). در نمونه ۹، در زبان مبدأ استفاده از **but** به‌عنوان نشانه‌ای برای ایجاد نوعی تضاد به‌کار گرفته شده است تا بتواند موضوعی را برجسته کند، در حالی که در ترجمه فارسی آن شاهد چنین برجستگی نیستیم و معنی توسعه‌یافته حاصل از «و» این حس را نمی‌تواند منتقل کند.

مثال ۹:

Now, the truth is, I wasn't really political, I was just a French horn player. **But** I had a bit of an epiphany, and they had detected it, and it was causing some confusion.

حالا حقیقت اینکه، من اصلاً سیاسی نبودم، فقط یه نوازنده کُر فرانسوی بودم. و سرم یکم بوی قرمه‌سبزی می‌داد، و اونا هم اینو فهمیده بودن، و گیجشون کرده بود. همانند مثال بالا، در مثال ۱۰ نیز شاهد توسعه هستیم؛ چراکه استفاده از **but** به‌عنوان عنصری برای ایجاد وقفه و نوعی تمایز میان پاره‌گفت جاری و پاره‌گفت قبلی درج شده است، در حالی که در ترجمه فارسی نمی‌توان صراحتاً رأی به چنین نظری داد و عنصر «و» مشخصاً علاوه بر تضاد نمایان‌گر معانی دیگری نیز هست که همین موضوع از میزان برجستگی و تضاد پاره‌گفت جاری می‌کاهد.

مثال ۱۰:

But more than that, I said, "what an opportunity."

و بیشتر از اون گفتم، «چه موقعیتی».

ج. تحدید

تحدید معنایی، برعکس توسعه معنایی است. در این نوع کم‌تخصیصی معنایی، گزاره‌ها به‌صورتی در ترجمه معادل‌سازی می‌شوند که حوزه معنایی محدودتری را در بر می‌گیرند و به‌عبارتی از گزاره ضعیف به قوی تغییر می‌یابند. نمونه‌های مشخص تحدید معنایی را می‌توان در مثال‌های ۱۱ و ۱۲ مشاهده کرد. در مثال ۱۱ برای گزاره and که گزاره‌ای چندکاره و ضعیف^۲ (اوتس، ۲۰۰۰) است و حوزه معنایی وسیعی را پوشش می‌دهد، در فارسی «اما» برگزیده شده است که نمونه‌ای روشن از تحدید

1. Oats
2. weak

معنایی است و مترجم با کاربردهای معنایی مختلف این گزاره را به کاربرد تقابلی آن محدود کرده است.

مثال ۱۱:

Shakespeare in the Park had been founded as a program for access, **and** it was now the hardest ticket to get in New York City.

به این معنی که شکسپیر در پارک بعنوان برنامه‌ای برای دسترسی راحت ایجاد شد اما حالا بلیتش یکی از نایب‌ترین‌ها در نیویورک سیتی بود.

نمونه مشابه دیگر نظیر مثال ۱۱ را می‌توان در مثال ۱۲ یافت که در آن نیز **and** معادل یا در زبان فارسی ترجمه شده است و در اقدامی مشابه دامنه معنایی گسترده آن به کاربرد تناوبی^۱ آن محدود شده است.

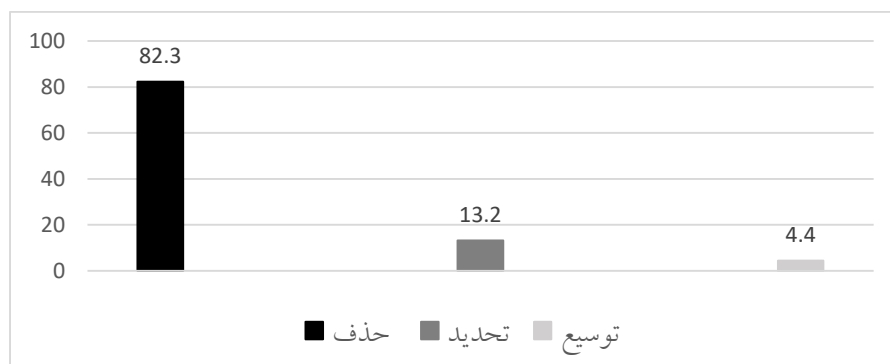
مثال ۱۲:

Where we have been ignored **and** exploited, we can revive our politics.

زمانی که نادیده گرفته شویم یا از ما بهره‌کشی شود، می‌توانیم امور سیاسی را راه‌اندازی کنیم.

با توجه به داده‌های موجود و نمودار ۱، کم‌تخصیصی معنایی (حذف، توسیع و تحدید) بیش از ۲۰ درصد از انواع ترجمه گزاره‌ها را به خود اختصاص داده است. از این مقدار، حذف و تحدید به ترتیب دارنده بیشترین و کمترین میزان فراوانی‌اند که در نمودار ۲ قابل مشاهده است. راهبرد حذف که بیشترین سهم را در کم‌تخصیصی به خود اختصاص داده، سهمی بالغ بر ۱۸/۵ درصد از کل راهبردهای ترجمه را داراست؛ به عبارت دیگر، بیش از ۱۸ درصد از گزاره‌های فراگفتمانی موجود در سخنرانی‌های تحت بررسی در ترجمه فارسی حذف شده‌اند که این خود مقدار قابل توجهی است.

1. alternative



نمودار ۲. میزان فراوانی انواع کم تخصیصی

پس از شناخت نسبتاً کامل در مورد انواع مختلف کم تخصیصی معنایی و میزان فراوانی هر یک در ترجمه‌های موجود، نوبت به بررسی وجود رابطه‌ای معنادار میان نوع گزاره‌ها و استراتژی‌های به‌کاررفته در ترجمه آن‌ها می‌رسد. همان‌طور که پیش‌تر ذکر شد، گزاره‌های فراگفتمانی را می‌توان معادل نقش‌نماهای گفتمانی در نظر گرفت. نقش‌نماهای گفتمان را براساس گستردگی حوزه معنایی و نقش‌های کاربردشناختی می‌توان به دو نوع ضعیف و قوی تقسیم کرد. نقش‌نماهای ضعیف معمولاً به آن دسته از نقش‌نماهایی اطلاق می‌شود که حوزه معنایی و کاربردشناختی گسترده‌تری را در بر می‌گیرند. برای مثال، نقش‌نمای «و» به‌عنوان یک نقش‌نمای ضعیف در زبان فارسی دارای دامنه معنایی وسیعی است و می‌تواند نقش‌های گوناگونی (تشریح، تناقض، تناوب و استنتاج) را ایفا کند. این در حالی است که نقش‌نماهای قوی دربرگیرنده حوزه معنایی و کاربردشناختی محدودتری هستند (اوتس، ۲۰۰۰). به‌عنوان نمونه، «به‌اضافه» نقش‌نمایی قوی است که دارای نقش کاربردی محدودی (تشریح) است. این موضوع در مورد زبان انگلیسی نیز صادق است. برای نمونه، نقش‌نماهای ضعیف در زبان انگلیسی so، but و and و نقش‌نماهای قوی in addition، however و furthermore می‌باشند. اکنون سؤال پیش رو این است که آیا می‌توان براساس نوع خاص گزاره (ضعیف و قوی) قائل به نوع خاصی از ترجمه شد؟ برای رسیدن پاسخی معقول و قابل اتکا لازم است آماری دقیق از میزان و نوع ترجمه

گزاره‌ها ارائه شود. جدول ۴ نمایانگر نوع و میزان فراوانی راهبردهای مختلف در ترجمه تمامی گزاره‌های یافت‌شده و بررسی‌شده این پژوهش است.

جدول ۴. فراوانی انواع راهبردهای ترجمه، در ترجمه گزاره‌های فراگفتنی

میزان حذف (درصد)	میزان توسیع (درصد)	میزان حذف (درصد)	میزان ترجمه تحت‌اللفظی (درصد)	فراوانی	گزاره‌ها
۱/۸۰		۳۴/۲۳	۶۳/۹۶	۲۲۲	And
۱/۶۱	۱/۶۱	۲/۱۵	۹۵/۱۶	۱۸۶	But
۲/۲۷	۱۲/۵	۳۱/۸۱	۵۳/۴	۸۸	So
		۲/۶۳	۹۷/۳۶	۷۶	Because
			۱۰۰	۵	So that
			۱۰۰	۴	Even though
			۱۰۰	۳	However
			۱۰۰	۶	Though
			۱۰۰	۱	Despite
			۱۰۰	۱	Albeit
			۱۰۰	۲	Whereas
			۱۰۰	۱	On the other hand
			۱۰۰	۲	Although
			۱۰۰	۱	Furthermore
			۱۰۰	۱	In addition

همان‌طور که در جدول ۴ قابل مشاهده است، رابطه معناداری میان چهار گزاره ابتدایی (ضعیف) و نوع ترجمه وجود دارد. به عبارت دیگر، تعداد قابل توجهی از گزاره‌های ضعیف به صورت‌های مختلفی توسط فرایند کم‌تخصیصی ترجمه شده‌اند، در حالی که مابقی گزاره‌ها (قوی) غالباً به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند. نمونه بارز این موضوع را می‌توان در ترجمه پرتکرارترین گزاره یعنی and ملاحظه نمود. جدول ۴ نشان می‌دهد تعداد وقوع گزاره and در ترجمه فارسی حدود ۳۵ درصد کاهش یافته و حذف شده است که بیشترین میزان حذف را در میان دیگر گزاره‌ها

داشته است. راهبرد حذف به میزان متفاوتی در خصوص دیگر گزاره‌های ضعیف نیز صدق می‌کند و گزاره‌های so, but و because پس از and به ترتیب بیشترین میزان حذف را به خود اختصاص داده‌اند.

از دیگر فرایندهای کم‌تخصیصی، توسیع معنایی است. از آنجا که گزاره‌ای با وسعت معنایی و کاربردشناختی بالاتری نسبت به and عملاً وجود ندارد، در ترجمه این گزاره فرایند توسیع معنایی صفر است؛ چراکه قابل ارتقا به گزاره دیگری نیست. اما در موارد دیگر نظیر so و but به دلیل وجود گزاره‌ای گسترده‌تر نظیر and که معادل فارسی آن «و» می‌تواند معنا و نقش مشابهی (تقابل و استنتاج) را ایفا کند شاهد توسیع معنایی هستیم. در فرایند مقابل توسیع، یعنی تحدید، سه نقش‌نمای so, and و but اگرچه به میزان اندکی ولی تحت تأثیر این نوع از کم‌تخصیصی معنایی قرار می‌گیرند.

۵. نتیجه‌گیری

گزاره‌های فراگفتمانی به‌عنوان پرتکرارترین عناصر فراگفتمانی (هایلند، ۲۰۱۹)، از عناصر مهم و تجلی‌گر انسجام کلام به حساب می‌آیند؛ لذا در ترجمه نیز حضور آن‌ها در متون مقصد به اندازه متون مبدأ مهم و تأثیرگذار است. از این رو بررسی مقابله‌ای این عناصر در سخنرانی‌های تد به زبان انگلیسی و همچنین ترجمه فارسی آن‌ها در قالب پژوهش پیکره‌بنیاد حاضر انجام پذیرفت. بررسی‌های صورت‌گرفته حاکی از این مسئله است که تعداد گزاره‌های فراگفتمانی در متن مبدأ و مقصد به صورت فاحش متفاوت است، به‌صورتی که بیش از ۱۸ درصد از این گزاره‌ها کاملاً در متن مقصد حذف شده‌اند که دلایلی نظیر کم‌اهمیت دانستن این گزاره‌ها توسط مترجم و همچنین فقدان بار معنایی و مفهومی تأثیرگذار در متن (بیکر، ۲۰۱۱) می‌تواند توجیه این امر باشد. البته این مسئله که چرا مترجم حضور گزاره‌ها در متن مقصد را کم‌اهمیت می‌داند در حالی که گوینده و نویسنده با به‌کارگیری این عناصر در متن مبدأ آن‌ها را مهم دانسته خود قابل تأمل است و پژوهشی جداگانه می‌طلبد. پژوهش حاضر نشان داد دو راهبرد اصلی، ترجمه تحت‌اللفظی و کم‌تخصیصی، در ترجمه گزاره‌ها

به کار گرفته شده است که نوع اول براساس بررسی‌های کمی، راهبرد غالب بوده است. کم‌تخصیصی خود به انواع دیگری نظیر حذف، توسیع و تحدید قابل تقسیم است. از میان سه نوع مذکور، نوع اول بیشترین فراوانی کاربرد را داشته است. پژوهش حاضر همچنین با تقسیم گزاره‌ها به دو نوع ضعیف و قوی (اوتس، ۲۰۰۰)، این موضوع را که رابطه معناداری میان نوع گزاره‌ها و راهبردهای به کاررفته وجود دارد، تأیید نمود. براساس داده‌های موجود تمامی گزاره‌های قوی، به صورت تحت‌اللفظی ترجمه شده‌اند. این در حالی است که بیش از ۲۳ درصد از گزاره‌های ضعیف بنا بر دلایل مختلف، نظیر گستردگی دامنه معنا و ذات چندکاربردی این عناصر تحت فرایندهای کم‌تخصیصی ترجمه شده‌اند. نتیجه حاصل، یعنی اعمال کم‌تخصیصی در خصوص گزاره‌های ضعیف همسو با نتیجه‌ای است که کریبل (۲۰۱۹) از بررسی این گزاره‌ها در ترجمه‌های چکی، فرانسوی، مجارستانی و لتونیایی گرفتند. آن‌ها کم‌تخصیصی را در مورد سه گزاره *but*، *and* و *so* بررسی کرده‌اند و کم‌تخصیصی را در خصوص هر سه مورد تأیید کرده‌اند. پژوهش حاضر نیز با اتخاذ نظری مشابه ضمن تأیید کم‌تخصیصی در خصوص ترجمه گزاره‌های مذکور در زبان فارسی، گزاره *because* را نیز به سه گزاره بررسی شده اضافه نمود. اگرچه این پژوهش از جمله نخستین پژوهش‌هایی است که با رویکرد مقابله‌ای، پیکره‌بنیاد و تمرکز صرف بر روی گفتمان شفاهی، گزاره‌های فراگفتمانی را بررسی و تحلیل کرده است، آخرین نوع از این پژوهش‌ها نخواهد بود و حوزه عناصر فراگفتمانی و مطالعات پیکره‌بنیاد زبان فارسی پژوهش‌های فراوانی را می‌طلبد تا دیگر عناصر نیز به خوبی ارزیابی شوند و دسته‌بندی مناسبی براساس داده‌های زبان فارسی تهیه شود.

کتابنامه

- احمدی، م. (۱۳۹۰). بررسی ترجمه نقش‌نماهای گفتمانی در *رمان هری پاتر و یادگاران مرگ*، نوشته جی. کی. رولینگ. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه سیستان و بلوچستان، سیستان و بلوچستان.
- امیریوسفی، م.، رضوانی سیچانی، ب.، و رضوانی سیچانی، ا. (۱۳۹۸). مدیریت ریسک: راهبردی برای ترجمه دقیق‌تر تردیدنماهای متون علمی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۱(۲)، ۲۵-۴۴.

رفیعی، ع. (۱۳۹۱). مفهوم عامل در واژه‌های مشتق زبان فارسی. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۴(۷)، ۱۹-۳۲.

رولینگ، جی. کی. (۱۳۸۷). *هری پاتر و یادگران مرگ*. ترجمه وید اسلامیه. تهران: کتابسرای تندیس.
 صحرائی، ر. (۱۳۹۲). نحو کودک؛ نحو تمام‌عیار شواهدی از روند فراگیری بخش مقوله‌ای و ساخت
 اطلاع زبان فارسی. *علم زبان*، ۱(۱)، ۵۷-۸۲.

طارمی، ط.، تاکي، گ.، و یوسفیان، پ. (۱۳۹۷). جنسیت در مقالات علمی فارسی‌زبان: مطالعه
 پیکره‌بنیاد نشانگرهای فراگفتمان تعاملی براساس انگاره‌هایلند. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۱۰(۱)،
 ۲۳-۴۲.

عبدالله زاده، ف. و میرزاده، ط. (۱۳۹۶). بررسی کتاب «فی الأدب العباسی، الرؤیة و الفن» عزالدین
 اسماعیل با تکیه بر الگوی فراگفتمانی هایلند. *لسان‌مبین*، ۹(۲۹)، ۱۲۹-۱۴۶.

فمیان، ع.، و کارگر، م. (۱۳۹۲). تحلیل مقالات نقد کتاب‌های زبان‌شناسی ایران براساس الگوی
 فراگفتمان هایلند. *پژوهش‌های زبان‌شناسی*، ۵(۹)، ۳۷-۵۲.

مقدم‌کیا، ر. (۱۳۸۳). «بعد»، نقش‌نمای گفتمان در زبان فارسی. *نامه فرهنگستان*، ۷(۳)، ۸۱-۹۸.

Aijmer, K. (2007). The interface between discourse and grammar: The fact is that. In A. Celle, & R. Huart (Eds.), *Connectives as discourse landmarks* (pp. 31-46). Amsterdam, Netherlands: John Benjamins Publishing.

Altenberg, B. (1999). Adverbial connectors in English and Swedish: Semantic and lexical correspondences. In H. Hasselgård, & S. Oksefjell (Eds.), *Out of corpora: Studies in honor of Stig Johansson* (pp. 249-268). Amsterdam, Netherlands: Rodopi

Altenberg, B. (2007). The correspondence of resultive connectors in English. *Nordic Journal of English Studies*, 6(1), 1-26.

Amouzadeh, M., & Zareifard, R. (2019). Interactional metadiscourse of gender in Persian. *Pragmatics and Society*, 10(4), 512-537.

Anthony, L. (2009). *Issues in the design and development of software tools for corpus studies: The case for collaboration*. In P. Baker (Ed.), *Contemporary corpus linguistics* (pp. 87-104). London, England: Continuum.

Baker, M. (2011). *In other words: A coursebook on translation*. London, England: Routledge.

Barkhudarov, L. (2018). The problem of the unit of translation. In P. Zlateva (Ed.), *Translation as social action* (pp. 39-46). London, England: Routledge.

Barnwell, K. G. (1980). *Introduction to semantics and translation with special reference to Bible translation*. Dallas, Texas: Summer Institute of Linguistics.

- Cettolo, M., Girardi, C., & Federico, M. (2012). *WIT: Web inventory of transcribed and translated talks*. In Proceedings of the 16th EAMT Conference (pp. 261-268). Trento, Italy.
- Cheng, X., & Steffensen, M. (1996) Metadiscourse: A technique for improving student writing. *Research in the Teaching of English*, 30(2), 149-81.
- Chesterman, A. (2016). *Memes of translation: The spread of ideas in translation theory. Revised edition*. Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.
- Crible, L., Abuczki, Á., Burkšaitienė, N., Furkó, P., Nedoluzhko, A., Rackevičienė, S., & Zikánová, Š. (2019). Functions and translations of discourse markers in TED Talks: A parallel corpus study of underspecification in five languages. *Journal of Pragmatics*, 142, 139-155.
- Crismore, A. (1989). *Talking with readers: Metadiscourse as rhetorical act*. New York, NY: Peter Lang.
- Crismore, A., & Farnsworth, R. (1989). Mr. Darwin and his readers: Exploring interpersonal metadiscourse as a dimension of ethos. *Rhetoric Review*, 8(1), 91-112.
- Crismore, A., Farnsworth, R. (1990). Metadiscourse in popular and professional science discourse. In W. Nash (Ed.), *The writing scholar: Studies in academic discourse* (pp. 118-36). Newbury Park, CA: Sage.
- Crismore, A., Markkanen, R., & Steffensen, M. (1993). Metadiscourse in persuasive writing: A study of texts written by American and Finnish university students. *Written Communication*, 10(1), 39-71.
- Cuenca, M. (2008). Pragmatic markers in contrast: The case of well. *Journal of Pragmatics*, 40(8), 1373-1391.
- Davies, E. E. (2007). Leaving it out: On some justifications for the use of omission in translation. *Babel Revue Internationale de la Traduction / International Journal of Translation*, 53(1), 56-77.
- Degand, L. (2004). Contrastive analyses, translation and speaker involvement: The case of “puisque” and “aangezien”. In M. Achard & S. Kemmer (Eds.), *Language, culture and mind* (pp. 251-270). Stanford, Canada: CSLI.
- Dryden, J. (1680/1975). From “Preface” to Ovid’s Epistles. In T. R. Steiner (Ed.), *English translation theory 1650-1800* (pp. 68-74). Assen and Amsterdam: Van Gorcum.
- Dupont, M., & Zufferey, S. (2017). Methodological issues in the use of directional parallel corpora. *International Journal of Corpus Linguistics*, 22(2), 270-297.
- Egg, M. (2010). Semantic underspecification. *Language and Linguistics Compass*, 4(3), 166-181.
- Egg, M., & Redeker, G. (2007). Underspecified discourse representation. In A. Benz & P. Kühnlein, (Eds.), *Constraints in discourse* (pp. 117-138). Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.
- Fischer, K. (2006). Towards an understanding of the spectrum of approaches to discourse particles: introduction to the volume. In K. Fischer (Ed.), *Approaches to discourse particles* (pp. 1-20). Oxford and Amsterdam: Elsevier.

- Fraser, B. (2015). The combination of discourse marker - A beginning. *Journal of Pragmatics*, 86, 48-53.
- Fraser, B. (1999). What are discourse markers? *Journal of Pragmatics*, 31(7), 931-952.
- Frisson, S. (2009). Semantic underspecification in language processing. *Language and Linguistics Compass*, 3(1), 111-127.
- Frisson, S., & Pickering, M. (2001). Obtaining a figurative interpretation of a word: Support for underspecification. *Metaphor and Symbol*, 16(3), 149-171.
- Ghafoori, N., & Oghbatalab, R. (2012). A comparative study of metadiscourse in academic writing: Male vs. female authors of research articles in applied linguistics. *The Journal of Applied Linguistics*, 5(1), 87-113.
- Harris, Z. (1959). The transformational model of language structure. *Anthropological Linguistics*, 1(1), 27-29.
- Hoek, J., Zufferey, S., Evers-Vermeul, J., & Sanders, T. J. (2017). Cognitive complexity and the linguistic marking of coherence relations: A parallel corpus study. *Journal of Pragmatics*, 121(2), 113-131.
- Hyland, K. (1998). *Hedging in scientific research articles*. Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.
- Hyland, K. (1999). Disciplinary discourses: Writer stance in research articles. In C. Candlin & K. Hyland (Eds.), *Writing: Texts, processes and practices* (pp. 99-121). London, England: Longman.
- Hyland, K. (2000). *Disciplinary discourses: Social interactions in academic writing*. London, England: Longman.
- Hyland, K. (2004). Disciplinary interactions: Metadiscourse in L2 postgraduate writing. *Journal of Second Language Writing*, 13(2) 133-51.
- Hyland, K. (2005). A convincing argument: Corpus analysis and academic persuasion. In U. Connor & T. Upton (Eds.), *Discourse in the professions: Perspectives from corpus linguistics* (pp. 87-112). Amsterdam, Netherlands: John Benjamins.
- Hyland, K. (2019). *Metadiscourse: Exploring interaction in writing* (2nd ed.). London, England: Bloomsbury.
- Intaraprawat, P., & Steffensen, M. (1995). The use of metadiscourse in good and poor ESL essays. *Journal of Second Language Writing*, 4(3), 253-72.
- Irmer, M. (2011). *Bridging inferences: Constraining and resolving under specification in discourse interpretation*. Berlin, Germany: Walter de Gruyter.
- Karbalaei, A. & R. Davaei. (2013). Interpersonal metadiscourse in compositions written by Iranian ESP students. *European Journal of Natural and Social Sciences*, 2(2), 291-300.
- Kopple, V., & William J. (1985). Some explanatory discourse on metadiscourse. *College Composition and Communication*, 36(1), 82-93.
- Meyer, B. J. F. (1975). *The organization of prose and its effects on memory*. Amsterdam, Netherlands: Northland.

- Mortier, L., & Degand, L. (2009). Adversative discourse markers in contrast. *International Journal of Corpus Linguistics*, 14(3), 338-366.
- Newmark, P. (1981). *Approaches to translation*. Oxford, England: Pergamon.
- Oates, S. (2000). Multiple discourse marker occurrence: creating hierarchical for natural language. In *Proceeding of the 3rd CLUK Colloquium* (pp. 41-45). Brighton, England.
- Redeker, G. (1990). Ideational and pragmatic markers of discourse structure. *Journal of Pragmatics*, 14(3), 367-381.
- Schiffrin, D. (1980). Metatalk: Organizational and evaluative brackets in discourse. *Sociological Inquiry: Language and Social Interaction*, 50(3), 199-236.
- Schiffrin, D. (1987). *Discourse markers*. Cambridge, England: Cambridge University Press.
- Spooren, W. (1997). The processing of underspecified coherence relations. *Discourse Processes*, 24(1), 149-168.
- Williams, J. M. (1981). *Ten lessons in clarity and grace* (2nd ed.). Chicago, IL: University of Chicago Press.
- Zareifard, R., & Alinezhad, B. (2014). A study of interactional metadiscourse markers and gender. *Journal of Educational and Social Research*, 4(1), 231-238.

درباره نویسندگان

رضا کاظمیان دانشجوی کارشناسی ارشد رشته زبان‌شناسی همگانی در دانشگاه اصفهان است. عمده علایق تحقیقاتی وی کاربردشناسی، تحلیل کلام و نقش‌نماهای گفتمان است.

مهرداد واشقانی فراهانی دانشجوی دکتری مطالعات ترجمه در دانشگاه لایپزیک آلمان است. عمده علایق تحقیقاتی ایشان زبان‌شناسی پیکره‌ای، مطالعات ترجمه پیکره‌محور و آموزش ترجمه است.